

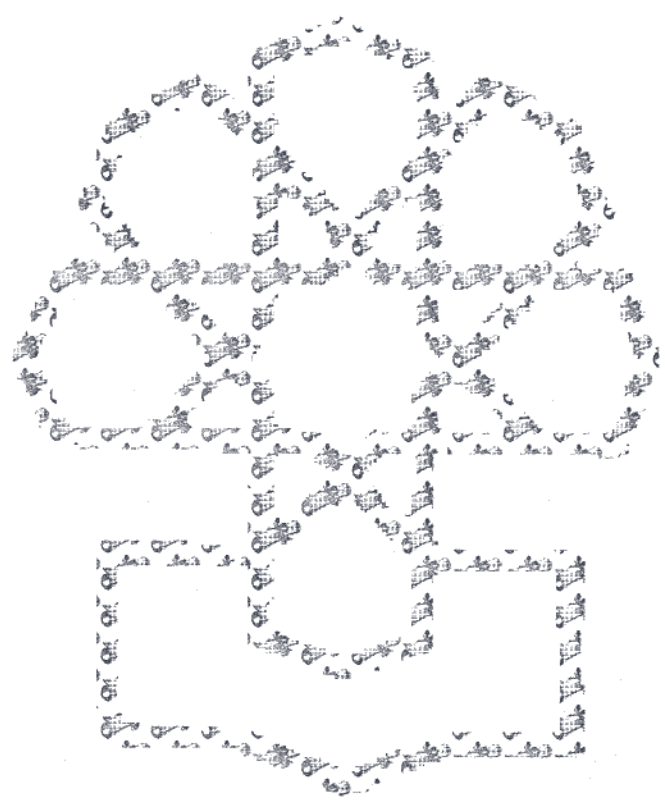
۲۹۲

۲۴۹

۱،۳۵



# مسائل جوانان و فرهنگ عمومی



معاونت پژوهشی  
مرداد ۱۳۷۶

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۱۱۰۲۳۹۰

## مسائل جوانان و فرهنگ عمومی

کد گزارش: ۱۱۰۲۳۹۰

## مقدمه

زمانی که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، نظام شاهنشاهی وابسته به غرب را با هدف استقرار حکومت اسلامی سرنگون ساخت، غرب و شرق و تمام نظام استکباری جهان احساس خطر نمودند. چراکه با گذشت حدود ۵۰ قرن از دوران رنسانس و سلطه تفکر غربی که بر مبنای نفی حاکمیت الهی و نادیده گرفتن وحی سلطه یافته بود بار دیگر با اوج‌گیری ندای توحید، فرصتی دوباره برای بیداری و قیام ملت‌های تحت ستم پدید آمد. این اندیشه، تفکر غربی را از اساس مورد نقد قرار می‌داد و بنیان‌های سلطه استکبار را تهدید می‌نمود. لذا مخالفت با نظام اسلامی و تلاش برای ضربه زدن و سرنگونی آن از همان ابتدای پیروزی انقلاب شروع شد.

امپریالیسم، صهیونیسم و کمونیسم، هم جهت و هم صدا با ارزش‌های انقلاب به مقابله پرداختند. پس از تجربه‌های نخستین برای انحراف، کودتا، یا به زانو درآوردن نظام نوپا، راه را در تهاجم نظامی به ایران یافتند و با شناخت عنصری جاه‌طلب که آرزوی حاکمیت بر منطقه و جهان عرب را در سر می‌پرورانید به جنگی همه جانبه علیه ایران دست زدند. صدام که از جایگاه والای پایگاه‌های مذهبی عراق از جمله حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف و اتحاد و همدلی علمای شیعه ایران و عراق اطلاع داشت، بلافاصله با ایجاد محدودیت برای مراکز مذهبی و تبعید، اسارت و شهادت علمای بزرگ همچون شهید محمدباقر صدر که با اذعان به رهبری امام خمینی در صدد به ثمر نشاندن انقلاب اسلامی در عراق بودند، در وهله اول از اوج‌گیری حرکت‌های انقلابی در عراق جلوگیری نمود و در مرحله دوم با حمله‌ای بزرگ به ایران در صدد نابودی انقلاب اسلامی ایران و تحقق رویای حاکمیت بر خوزستان برآمد. سپاهیان مجهز و منظم عراق که ماه‌ها برای تسلط بر ایران آموزش دیده و آماده شده بودند بر نظامیان ایران که با حرکات از پیش تعیین شده برخی فرماندهان خائن از آمادگی رزمی و سازمان نظامی به دور بودند تاختند و در فرصت کوتاهی بخش قابل توجهی از خاک ایران را تسخیر کردند. در این شرایط نه تنها سازمان‌های جهانی عراق را محکوم نکردند بلکه هم جهت با عراق در صدد تجزیه بخشی از خاک ایران برآمدند، تمام شرایط را برای شکست و تسلیم ایران فراهم کردند ولی از نیروی الهی و قیام مردم و به ویژه جوانان که با رشادتی مثال‌زدنی به جبهه‌های جنگ شتافتند غافل ماندند.

جوانان زیادی با ایثار و فداکاری خون خود را برای حفظ انقلاب نثار کردند. در رأس آنان شهید فهمیده آگاهانه با نارنجک آماده انفجار به زیر تانک دشمن پرید و با انهدام آن شکل والایی از دفاع را به نمایش گذاشت. در تشریح این عمل امام امت فرمودند: «رهبر ما آن نوجوان ۱۳ ساله‌ای است که نارنجک به کمر خود می‌بندد و خود را زیر تانک دشمن می‌اندازد» چرا امام فهمیده را رهبر خطاب می‌کند؟ شاید به این

جهت باشد که او با به نمایش گذاشتن اوج شهامت و ایثار راه جدیدی گشود و ضمن الگوسازی برای نسل جوان، نشان داد که نیازی به سازش نیست و رهبران انقلاب می‌توانند با اتکا به نیروی جوانان الهی با قدرت به مقابله با دشمن برخیزند.

این خون‌ها به ثمر نشست و دشمن شکست خورده و ناامید از این سرزمین خارج شد و همگان فهمیدند که تسلط نظامی بر جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر نیست. لذا تهاجم را به شکلی جدید سامان دادند و به بنیان‌های فکری جامعه یورش بردند. شواهد فراوانی حکایت از تهاجم فرهنگی دشمن به این نظام و مردم دارد و طبیعی است که جوانان بیش از سایر اقشار مورد یورش قرار گیرند. از این رو اگر شکل مقابله با استکبار در دهه گذشته حضور در میدان‌های نبرد نظامی بود، امروز میدان‌های جدیدی بر روی جوانان گشوده شده که غفلت از هر یک ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر نظام و انقلاب اسلامی وارد خواهد ساخت.

### فصل اول - ضرورت تحول در فرهنگ عمومی و راه‌های آن

«فرهنگ عمومی» در زمره مقولاتی است که بحث پیرامون آن در میان اندیشمندان ما سابقه درازی دارد. اما با این وجود هنوز کمتر می‌توان در بیانات متفکرین ما تعریف مقبولی از این مفهوم یافت. گذشته از بحث مفهومی در این خصوص، موضوع «مشکلات موجود در فرهنگ عمومی ما» و همچنین «روش و ابزارهای لازم برای ایجاد تحول در فرهنگ عمومی» همچنان محتاج بحث‌ها و تأملات بیشتری است در این بحث ابتدا به مفهوم عمومی فرهنگ عمومی پرداخته و سپس از نقش و تأثیر فرهنگ عمومی در عرصه روابط اجتماعی گفتگو کرده و اهمیت آن را می‌نمایانیم. بحث خود را با برشمردن برخی مشکلات موجود در فرهنگ عمومی کشور خود پی‌گرفته و ضرورت توجه به این معضلات و تلاش در جهت رفع ران نشان می‌دهیم. در نهایت به برخی روش‌ها و ابزارهایی که می‌تواند ما را در این راستا یاری رساند و راهی را به سوی پی‌ریزی فرهنگ نوین اسلامی بگشاید اشاره می‌کنیم.

#### ۱-۱- مفهوم فرهنگ عمومی

لفظ «فرهنگ» در مفاهیم متفاوت و گاه متداخلی استعمال می‌شود اما مراد ما در این بحث مجموعه آداب و سنن، رسوم و باورهای یک جامعه است. فرهنگ عمومی به باورها، آداب، سنن و رسمی اطلاق می‌شود که مورد پذیرش عمومی قرار گرفته و روابط اجتماعی براساس آنها پدید می‌آید. با توجه به این تعریف می‌توان میان «فرهنگ عمومی» و «فولکلور» تفاوت نهاد چرا که فولکلور به عنوان یک علم نوپا تنها به اطلاعات و فرهنگ مربوط به روستاییان و برخی مردم معمولی می‌پردازد اطلاعاتی که قبل از پایه گذاری علم فولکلور مورد توجه چندانی نبود. در حالی که غرض از فرهنگ عمومی مشترکات اعتقادی و رفتاری افراد داخل یک کشور است. تعریف فوق مرز میان این معنی از فرهنگ را با معانی دیگری مانند «تعلیم و تربیت» و «علم و دانش و ادب» و «آموزش و پرورش» که لفظ فرهنگ در مورد آنها استعمال می‌گردد، روشن می‌کند. چرا که اینها همه می‌توانند به ایجاد یا محو، تقویت یا تضعیف مشترکات اعتقادی و رفتاری یک ملت، یعنی فرهنگ عمومی آن، کمک کنند یا تحت تأثیر آنها قرار بگیرند ولی مفاهیمی کاملاً متفاوت با «فرهنگ عمومی» هستند.

### ۱-۲- ارتباط میان فرهنگ عمومی و سایر پدیده‌ها و مقولات اجتماعی

فرهنگ عمومی یک ملت ریشه در تاریخ آن دارد و ویژگی‌های اعتقادی و رفتاری این ملت را نشان می‌دهد. نقش ویژگی‌های مزبور در حدی است که برخی متفکرین معاصر به محوریت فرهنگ در تحولات اجتماعی قائل شده‌اند. باورها و رفتارهای مشترک یک قوم می‌تواند به ساختار سیاسی، اقتصادی و ... متفاوتی در آن بیانجامد. مثلاً در عرصه اقتصاد روحیه سودطلبی و فردگرایی و آزادی خواهی در انگلستان و امریکا شکلی از سرمایه‌داری را پدید آورد که کاملاً متفاوت با ساختار نظام سرمایه‌داری ژاپن است چرا که نظام سرمایه‌داری ژاپن بر پایه قناعت، اطاعت و ملت‌پرستی قرار دارد و بر این پایه‌ها اقتصاد، مدیریت و ... متفاوتی پدید آمده است.

برخی مؤلفین معتقدند که تفاوت در میزان رشد ملل اروپایی به عامل فرهنگی باز می‌گردد و مثلاً فرهنگ آلمانی با حرکت توسعه هم‌سازتر از فرهنگ ایتالیایی است. دیدگاه افراطی در این خصوص پذیرش اصالت فرهنگ و بازگرداندن همه تحولات اجتماعی به تحولات فرهنگی است. در این دیدگاه نقش انسان انتخابگر فراموش می‌شود انسانی که می‌تواند با فراهم آوردن ابزارها و نیروهای لازم، به مدیریت فرهنگ عمومی کشور بپردازد و آن را در جهت مناسب شکل دهد. در حقیقت فرهنگ جامعه نیز همانند اقتصاد آن بعدی از ابعاد موقعیت موجود را نشان می‌دهد. ولی آنچه مهم است نحوه برخورد با این موقعیت‌هاست. برخورد فکورانه و پخته می‌تواند به بهره‌گیری مدبرانه از وضعیت فرهنگی، اقتصادی و ... بیانجامد و آنجا که برخی عناصر فرهنگی و ... سدی در راه وصول به اهداف بود به تغییر آن همت گمارد.

### ۱-۳- برخی مشکلات موجود در فرهنگ عمومی ما

ما مسلمانیم و معتقد به اصول ارزشی آن و این اصول ارزشی تأثیری به سزادر فرهنگ ما به جای نهاده است. اما نباید نقش تبدلات فرهنگی با سایر اقوام خصوصاً تأثیر وسیع فرهنگ غرب را بر فرهنگ ما در سده اخیر و همچنین نقش فرهنگ بومی ایران را فراموش کرد. بسیاری از عناصر فرهنگ عمومی که حاصل آن تبدلات یا این فرهنگ بومی است با اهداف فردی و اجتماعی نظام اسلامی همخوانی ندارد و جامعه و حکومت اسلامی برای وصول به اهداف خود باید به رفع یا تغییر این عناصر همت بگمارد.

برای توضیح بیشتر به سه مورد در این خصوص اشاره می‌کنیم. مورد اول، الگوی مصرف یعنی شیوه و حجم و اندازه‌ای است که در مصرف کالاهای مختلف برای رفع نیازها به عنوان حد مطلوب پذیرش عمومی یافته است. الگوی مصرف در بسیاری از موارد تحت تأثیر افزایش بی‌منطق توقعات و همچنین رقابت‌ها به سطح بالاتری صعود می‌کند و هر چه بیشتر مبتلا به اسراف و تبذیر و تضييع منابع و امکانات می‌شود.

بالا رفتن سطح الگوی مصرف آن هم به دور از منطقی صحیح معضلات متعددی را در جامعه پدید می‌آورد. افراد متمکن به اسراف و تبذیر بیشتر دچار می‌شود و دیگران نیز به خاطر افزایش سطح توقعات گرفتار نارضایتی‌های وسیع‌تری می‌گردند. روشن است که این وضعیت نه تنها با ارزش‌های اسلامی ناسازگار است بلکه مشکلات متعددی را در راه توسعه و پیشرفت کشور ایجاد می‌کند. چرا که توسعه نیازمند بهره‌گیری هر چه بیشتر از منابع و امکانات موجود است و با فرهنگ مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی هم‌ساز نیست.

مورد دوم، ازدواج و همسرگزینی است. ازدواج از دیدگاه دینی نقشی مهم در حفظ سلامت روانی افراد

و جلوگیری از انحرافات و ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودکان دارد و زمینه بسیاری از مفاسد اجتماعی و مشکلات عاطفی و روانی را از بین می‌برد. اما با تغییر الگوی مصرف و بالاتر رفتن سطح توقعات و همچنین رقابت‌ها و خودنمایی‌های بی‌معنی ازدواج به صورت امری صعب و دشوار در آمده و پدیده‌های مناسب و زیبایی مانند مهریه و جهیزیه که از ریشه‌های شرعی و عرفی برخوردارند تبدیل به موانع بزرگی شده‌اند و سد راه ازدواج گشته‌اند.

مورد سوم، که به نظر می‌رسد که با حرکت خزننده ولی سریع خود می‌تواند به تدریج به صورت فرهنگ عمومی درآید محوریت ارزش‌های مادی در قضاوت و برخورد با افراد و کارهاست در این ذهنیت آدم‌ها براساس اندازه برخورداری از امکانات مادی و مناصب قدرت درجه‌بندی می‌شوند و کارها بر پایه میزان تحصیل سود، قدرت و اعتبار با منابع قدرت ارزش‌گذاری می‌گردند. پست و منصب، ارزش منزل و مقدار درآمد ماهانه، نوع اتومبیل و لباس و .... در چشم‌ها بزرگ‌تر از تفاوت‌های معنوی جلوه می‌کند و افراد وضعیت پیشرفت خود و دیگران را بر این اساس بررسی می‌کنند.

افسوس خوردن، احساس عقب‌ماندگی، غبطه و رقابت در این فضای مادی شکل می‌گیرد و ضعف‌ها و انحطاط‌ها و عقب‌نشینی‌های معنوی و اخلاقی مورد توجه افراد در بررسی وضعیت خود و دیگران نمی‌باشد.

تأمل در وسعت و عمق مشکلاتی که سه پدیده فوق ایجاد می‌کند ضرورت توجه به فرهنگ عمومی را نشان می‌دهد. این قبیل پدیده‌های اجتماعی که در فوق تنها به سه نمونه آن اشاره کردیم نه تنها با اهداف متعالی اسلام در خصوص فرد و در مورد جامعه هماهنگی ندارد بلکه بن‌بست‌های گوناگونی را پدید می‌آورد و آن ناهماهنگی و این بن‌بست‌ها ما را به تأمل بیشتر دعوت می‌کند تا به راه و روش تغییر و تبدیل و هماهنگ‌سازی و خلاصی از بن‌بست‌ها بیندیشیم و آغازگر حرکتی در این جهت باشیم.

#### ۱-۴- روش‌ها و ابزارهای ایجاد تحول

۱-۴-۱- رسانه‌ها: در عصر ماکه عصر ارتباطات نام گرفته است رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون از نقشی کلیدی در عرصه فرهنگ عمومی بهره می‌برند. تبیین کاربردی اهداف در عرصه فرهنگ عمومی و تحقیق در روش‌های آموزشی و هنری مناسب برای تبلیغ این اهداف و ترویج باورها و رفتارهای متناسب با آن می‌تواند زمینه و بستر مناسبی را برای برنامه‌سازی‌های هنری فراهم آورد و ما را از این ابزار قدرتمند در راستای تحول فرهنگی بهره‌مند سازد.

۱-۴-۲- آموزش و پرورش: نظام آموزش و پرورش که از سنین کودکی تا پایان دوره نوجوانی افراد جامعه با آن سروکار دارند و نقشی مهم در آموزش ایشان ایفا می‌کند می‌تواند در جهت تحول فرهنگی وظیفه مهمی را بر عهده بگیرد.

۱-۴-۳- ایجاد توجه در جوانان به نقش مهم و تاریخی خویش: شکستن سنت‌ها غلط اجتماعی و مقاومت در برابر رسوم ناپسند و غیراسلامی تنها با آموزش ممکن نمی‌گردد. چه بسیارند سنت‌ها و رسوم که غالب عاملین به آنها به ناپسندی آنها واقفند ولی توان و جرأت لازم برای ایستادن در برابر آنها و تحمل کردن فشارهای اجتماعی را ندارند. اما نسل جوان به خاطر ویژگی استقلال‌جویی و آمادگی برای تجربه‌های تازه می‌تواند این بار سنگین را به راحتی بر دوش بکشند و الگوهای تازه را در زندگی فردی، خانوادگی و

اجتماعی خویش تجربه کرده و همچنین به معرض نمایش این حرکت تازه با پشتیبانی رسانه‌ها می‌تواند موجی نو برپیانگیزد و عرصه اجتماع را از سنت‌ها و رسوم غیراسلامی بشوید.

این سخن را مبالغه‌آمیز و غیر واقع‌بینانه نپندارید. چرا که ما در پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین در مقاومت قهرمانانه ملت در برابر هجوم استکبار جهانی و جنگ تحمیلی شاهد نقش کلیدی نسل جوان بوده‌ایم. بیکره انقلاب ما را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دادند و هم اینان بودند که به دور از ترس‌ها و فشارهای اجتماعی و نظامی با رژیم سینه به سینه شدند که تصور شکستن آن برای صاحب‌نظران دور از دسترس می‌نمود. پس از پیروزی انقلاب در برابر هجوم نظامی غرب در قالب حمله رژیم بعثی ایستادند و کاری را به انجام رساندند که با هیچ محاسبه نظامی سازگار نبود. نسل جوان امروز نیز اگر خود را ادامه‌دهنده راه مسلمین سرفراز دیروز بدانند می‌توانند امروز نیز آغازگر حرکتی مهم در زمینه تحول فرهنگ عمومی باشند. حال که ما دشمن را از خانه راندیم و مهاجم را بر سر جای خویش نشانیدیم نباید کار را پایان یافته تلقی کنیم. اینها همه مقدمه‌ای بود تا بتوانیم تمدن و فرهنگ نوینی بر پایه ارزش‌های اسلامی برپا کنیم. این سنت‌شکنی آمادگی برای تجربه‌های تازه را بیشتر در نسل جوان می‌توان جست تا در دیگران، که به این آداب و رسوم تن داده و خو کرده‌اند و کمتر جرأت و جسارت لازم برای این کار را دارند.

## فصل دوم - جوانان و بررسی مشکلات آنها

### ۲-۱- تعریف جوانی

در تعریف جوانی این‌گونه آورده‌اند که جوانی هنگامی است که انسان شروع به اندیشیدن می‌نماید. اندیشیدن درباره آینده و فکر شغل و انتخاب راهی که مسیر زندگی وی را تعیین می‌کند. تعاریف دیگری برای جوانی وجود دارد که هر کدام از دیدگاه خاصی آن را تعریف نموده‌اند.

- «جوانی دوره‌ای از زندگی انسان را گویند که از نظر مراحل مختلف آن پس از دوره کودکی و قبل از دوره بلوغ کامل قرار دارد و برحسب اختلاف زمان و مکان و نژاد و اقلیم متفاوت است».

- «معمولاً افرادی را که سن آنها بین ۱۴ یا ۱۵ تا ۲۵ سال قرار دارد جوان می‌نامند».

- «در تمدن امروز جهان، جوانی حالتی از آمادگی است که در آن حالت، فرد با تمام نیروهای بالقوه خود قادر به داشتن شغل تمام وقت نیست».

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات‌شان تعاریف و تعبیر زیبایی از جوانی ارائه نموده‌اند:

- جوانی دوران خاصی از عمر انسان است که شامل دوران بروز استعدادها، اوج زیبایی‌ها و توانایی‌ها می‌باشد. جوانی بهترین و شیواترین دوران زندگی است.

- جوانی همچون ستاره‌ای در زندگی تاریک و مبهم انسان درخشندگی خاصی دارد.

- در انسان دوران جوانی زمان شکوفایی و بهار زندگی و گل کردن استعدادها در تمام زمینه‌هاست.

باتوجه به این که بیشترین درصد جمعیت کشور ما را از نظر سنی، جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، برنامه‌ریزی برای حل مسائل و مشکلات این قشر در درجه بالایی از اهمیت قرار می‌گیرد.

حضرت امام (ره) در فرای از بیانات‌شان با تأکید بر اهمیت برنامه‌ریزی برای جوانان می‌فرمایند:

«من به مسئولان و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن، وسایل ارتقای اخلاقی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.»

## ۲-۲- مسائل و مشکلات جوانان

مسائل اساسی و مهمی که معمولاً ذهن جوان را هنگام اندیشیدن به خود مشغول داشته و به عنوان عمده‌ترین مشکلات جوانان تلقی می‌گردد عبارت‌اند از:

۱- اشتغال؛

۲- ازدواج؛

۳- مسکن؛

۴- آموزش عالی؛

۵- مسائل فرهنگی.

علاوه بر این مسائل، محورهای دیگری نظیر نحوهٔ پرکردن اوقات فراغت و تأمین و بهینه‌سازی نیازهای رسانه‌ای جوانان مطرح می‌باشد. به دلیل اهمیت مطالب فوق ذیلاً به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

### ۲-۲-۱- اشتغال

الف- موفقیت‌های شغلی یا پیدا کردن شغل مناسب و دلخواه که منجر به حل مسائل و مشکلات مالی می‌گردد، از آرزوهای هر انسانی به ویژه جوانان است. از سوی دیگر، بررسی‌های جامعه‌شناسی از ارتباط روشن بیکاری و بزهکاری سخن می‌گویند. رشد سریع جمعیت کشور، مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و صنعتی نبودن ساختار اقتصادی کشور و مشکلات دیگر، طی سال‌های اخیر باعث شد که درصد بیکاری از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۴/۴ درصد به سال ۱۳۶۵ برسد.

ب- خوشبختانه پس از گذشت سال‌های برنامه اول و آغاز برنامه دوم در اثر تحولات اقتصادی و سازندگی و آبادانی کشور درصد بیکاری در سال ۱۳۷۳ به حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است.

پ- آمارها حاکی از آن است که تعداد افراد فعال جامعه در سال ۱۳۷۳، حدود ۱۵ میلیون نفر می‌باشد که حدود ۱۲ درصد از آن رازنان تشکیل می‌دهند. حدود ۹۰ درصد از این جمعیت را شاغلین و حدود ۱۰ را بیکاران تشکیل می‌دادند.

### ۲-۲-۲- جوانان و ازدواج

الف- ازدواج یکی دیگر از نیازهای اساسی نسل جوان به‌شمار می‌رود که در دین ما نیز مورد تأکید بسیار قرار گرفته است. متأسفانه در کشور، در سال‌های گذشته به تبع مشکلات اقتصادی و فرهنگی، متوسط سن ازدواج بالا رفته و از ۲۳ سال در سال ۱۳۶۵ به ۲۴/۶ سال برای مردان و از ۱۹/۸ سال به ۲۰/۹ سال برای زنان رسیده است. همچنین در سال‌های اخیر (۱۳۷۳ و ۱۳۷۴) تعداد ازدواج‌های ثبت شده سالانه ۲ درصد کاهش یافته است.

ب- در نظر سنجی‌های انجام شده مشکل اقتصادی عمده‌ترین مانع ازدواج از سوی افرادی که مورد سؤال واقع شده‌اند، عنوان شده است.

پ- حل مشکلات مالی مزدوجین جوان در آستانهٔ ازدواج از طریق وام‌های بدون سود با زمان بازپرداخت

طولانی می‌تواند گامی در تسهیل امر ازدواج باشد.

#### ۲-۲-۳- مسکن

الف- مسئله تهیه مسکن مناسب به عنوان یکی دیگر از موانع امر ازدواج مطرح می‌باشد. آمارهای مربوط به مسکن نشان می‌دهد شاخص هزینه مسکن که از ۱۲۵/۱ در سال ۱۳۵۹ به ۵۹/۳ در سال ۱۳۶۵ تنزل یافته بود، از سال ۱۳۶۶ به بعد سیر صعودی یافته و در ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۴ به بالاترین حد قابل تصور رسید.

ب- در حال حاضر سهم مسکن در سبد هزینه خانوار کشور به طور متوسط حدود ۳۳ درصد ذکر می‌شود و بدیهی است که این میزان برای اقشار فقیر و دهک‌های پایین کاملاً متفاوت است.

پ- در برنامه اول مقرر شده بود که ۲,۲۸۵,۰۰۰ واحد مسکونی در کل کشور در مناطق روستایی و شهری احداث شود که تنها ۶۶/۹ درصد از این مهم تحقق یافت.

ج- در برنامه دوم توسعه دولت و مجلس شورای اسلامی ضمن توجه خاص به این مسئله، احداث بیش از ۲/۵ میلیون واحد مسکونی پیش‌بینی شده است. در این برنامه همچنین طرح ساخت مسکن اجتماعی برای زوج‌های جوان و افراد کم‌درآمد که تا یک پنجم بهای آن را دولت از محل وجوه واریزی تأمین می‌کند و مابقی را بانک و متقاضی تأمین می‌کنند پیش‌بینی شده است.

#### ۲-۲-۴- آموزش عالی و نسل جوان

۱- یکی از اساسی‌ترین آرزوهای جوانان در هر جامعه موفقیت تحصیلی، ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل است. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در سال‌های پس از خاتمه جنگ تحمیلی و آغاز اجرای برنامه اول توسعه، پیشرفت‌های زیادی در این بخش صورت گرفته است.

۲- در سال تحصیلی ۱۳۷۳-۱۳۷۴ در مجموع حدود ۴۸۰ هزار نفر در دانشگاه‌های دولتی مشغول به تحصیل بوده‌اند که بالغ بر ۱۴۵ هزار نفر از این تعداد را زنان تشکیل می‌دهند. در مجموع رشدی معادل ۶۵ درصد نسبت به سال شروع برنامه در این بخش حادث شده است.

#### ۲-۲-۵- جوانان و مسائل فرهنگی

یکی از مسائلی که جوامع انسانی همیشه با آن روبه‌رو بوده‌اند، مسائل فرهنگی مربوط به جوانان می‌باشد. چنانکه در تعاریف جوانی ذکر شد جوانی دوره خاصی است که جوان به موازات بلوغ جسمی در آستانه بلوغ فکری نیز قرار می‌گیرد. وارد شدن به این مرحله و دگرگون شدن نوع افکار جوان شرایط خاص و پیچیده‌ای را ایجاد می‌نماید.

در کشورهای مختلف بنا به نوع طرز تفکر حکومت نسبت به جوانان، تشکیلات متفاوتی برای رسیدگی به مسائل آنها سازماندهی شده است.

در کشور ما نیز، شورای عالی انقلاب فرهنگی با توجه به خلأ موجود و نیازی که به متولی خاصی برای رسیدگی به مسائل جوانان احساس می‌شود، دبیرخانه‌ای را جهت برنامه‌ریزی برای شناخت و حل مسائل و مشکلات جوانان تأسیس و سازماندهی نمود. اما مسئله مهم در این زمینه نوع نگاه و طرز تلقی حکومت‌ها از مسائل جوانان می‌باشد. در کشور ما، از آنجا که ماهیت حکومت، اسلامی و فرهنگی می‌باشد در اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی نگاه ویژه‌ای به مسئله جوانان معطوف گردیده است. این نگاه مبتنی بر فراهم آوردن زمینه‌های مساعد جهت رشد و تعالی شخصیت علمی و فکری جوانان می‌باشد.

اصل هفدهم از اصول سیاست فرهنگی کشور اشاره به جایگاه اهمیت نسل جوان در تحول فرهنگی کشور دارد. در این اصل چنین آمده است:

«اهتمام و اقدام همه جانبه به منظور شناخت نیروها و نیازها و مقتضیات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب و مساعد برای تکامل و تعالی شخصیت علمی و عقیدتی جوانان و مسئولیت‌پذیری و حضور مستقیم و مشارکت هر چه بیشتر آنان در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی».

تدقیق و توجه به مفاد این اصل، ضرورت رسیدگی به رفع معضلات حاکم به حیات نسل جوان کشور را، به صورتی اجتناب‌ناپذیر نمایان سازد. اهم موازین برخاسته از اصل فوق عبارت است از:

- ضرورت شناخت نیروها و نیازهای نسل جوان کشور؛
- ضرورت شناخت مقتضیات روحی و جسمی نسل جوان کشور؛
- فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای تکامل و تعالی شخصیت جوانان؛
- توجه به اهمیت مسئولیت‌پذیری؛
- لزوم حضور مستقیم جوانان در عرصه‌های مختلف اجتماعی.

اگر موازین مورد اشاره را، به عنوان باوری اساسی بپذیریم و توجهی مسئولانه نسبت به شرایط حاکم بر زندگی کنونی نسل جوان کشور مبذول نماییم، آن وقت به روشنی در می‌یابیم که فقدان سیستم‌ها و نظامات مؤثر جهت فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای تحقق این اصول در ایجاد اکثریت قریب به اتفاق معضلات و تنگناهای حاکم بر قلب، ذهن و جسم جوانان ایفای نقش می‌نماید. بر این اساس، زمانی فرارسیده است که دیگر از اولویت دادن به راهگشاهای مؤثر جهت غیبت بخشیدن به اصول سیاست‌های فرهنگی حاکم بر حیات نسل جوان کشور، گریزی نیست. اگر فرض کنیم که معضلات، تنگناها و نارسایی‌های زندگی جوانان را می‌شناسیم و چنانچه بپذیریم که در کوتاه مدت، چاره‌ای جز بهینه‌سازی تشکلی و نهادهای کنونی و بهره‌مندی مناسب از آنها نداریم، آنگاه در می‌یابیم که هرگونه تفکر و ارائه طریق در راستای تسهیل حرکت در محدوده چارچوب‌ها و قالب‌های موجود تا چه حد در رفع دشواری‌های فعلی حیات نسل جوان کشور مؤثر خواهد بود.

بنابراین با توجه به مسائل فوق می‌توان مراحل کار را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

- ۱- شناسایی و معرفی مجموعه‌های ذی‌ربط که به صورت بالقوه و بالفعل از توان آنها بتوان برای حل جنبه‌های گوناگون مسائل جوانان استفاده نمود؛
  - ۲- آگاهی از امکانات و تسهیلات موجود در مجموعه‌های فوق؛
  - ۳- انتخاب و طراحی الگوی مناسب به منظور بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات مورد نظر در راستای دستیابی به نظام تصمیم‌سازی جهت رفع معضلات موجود.
- به هر حال برای حل نهایی مشکلات جوانان، چاره‌ای نیست مگر این که بتوانیم مشکلات را به صورت نظام‌مند شناسایی و چنان که ذکر شد از طریق فوق حل نماییم.
- در ذیل پاره‌ای از مشکلات فرهنگی که نسل جوان کشور امروزه با آن رو به رو هستند ذکر می‌گردد. امید است که با شناخت درست و درک عمیق از مشکلات جوانان بتوان آنها را به نوعی حل نمود:
- عدم شناخت کافی خانواده‌ها نسبت به نیازهای جوانان و به تبع آن بی‌توجهی به نیازهای آنان؛

- وجود احساس بی‌نقشی و متمر ثمر نبودن در جامعه و در نتیجه بروز روحیه بی‌تفاوتی یا ستیزه‌جویی در بین آنان؛
- خدشه‌دار شدن اصل کرامت انسانی به دلیل برخوردهای نامناسب اجتماعی (شیوه‌های نپه‌ای از منکر)؛
- درک ناکافی از هویت تاریخی و ملی؛
- عدم شناخت کافی نسبت به اوضاع جهان معاصر؛
- عدم ارضای روحیه نوگرایی و تنوع‌طلبی جوانان در جامعه به لحاظ جایگزین نشدن مدلی منطبق با ارزش‌های حاکم که منجر به پذیرش موازین فرهنگ‌های بیگانه در بین جوانان شده است؛
- رشد نامتوازن و ناهماهنگ قلبی، ذهنی و جسمی جوانان در اثر ضعف و ناهماهنگی‌های حاکم بر نظام تعلیم و تربیت در خانواده و فضاهای آموزشی از یک سو و ارزش‌های حاکم بر نظام تعلیم و تربیت در خانواده و فضاهای آموزشی از یک سو و ارزش‌های حاکم در جامعه از سوی دیگر؛
- نبود انگیزه در بین نوجوانان و جوانان جهت روی آوردن به علم و دانش و مطالعه به دلیل رواج روحیه‌های مادی‌گرایی و ثروت‌اندوزی؛
- عدم احساس تعهد و تعلق نسبت به جامعه؛
- عدم دستیابی به کاربردهای عملی دین و مذهب به عنوان راهنمای عملی به دلیل فقدان یا کمبود الگوهای مناسب و در نتیجه بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های مذهبی؛
- حاکم شدن روحیه یأس و ناامیدی در بین جوانان در اثر عدم اطمینان نسبت به موقعیت زندگی (ادامه تحصیل، اشتغال، تشکیل خانواده و ...) در آینده.

### فصل سوم - رهیافت

- در این بخش، پیشنهادهایی در جهت حل هر چه بهتر مشکلات جوانان ارائه می‌گردد:
- ۱- ترویج فرهنگ بسیج. این شیوه می‌تواند ضمن استفاده از نقش مفید و مؤثر جوانان، در شکل‌گیری شخصیت آنان از نقطه نظر مسئولیت‌پذیری، تعهدپذیری، استقلال فکری، اجتماعی شدن، احساس نقش و هویت داشتن و اتکا به نفس تأثیر به‌سزایی داشته باشد.
  - ۲- الگوسازی برای جوانان با هدف جذب آنان به سوی فرهنگ متعالی اسلامی و معرفی آرامش‌های ناشی از گرایش‌های مذهبی با استفاده از شیوه‌های نو و امکان استفاده از وسایل سمعی و بصری نظیر فیلم‌ها، سریال و برنامه‌های تلویزیونی.
  - ۳- طرح مسائل جوانان در نماز جمعه و دیگر تریبون‌های عمومی و دعوت از کارشناسان مربوطه برای شرکت در این گونه جلسات.
  - ۴- توسعه فرهنگ ورزش در میان جوانان.
  - ۵- تهیه و برگزاری برنامه‌های ویژه از سوی مدارس، دانشگاه‌ها، فرهنگسراها، صدا و سیما و ... به منظور احیا و حفظ آداب و رسوم ملی و مذهبی.
  - ۶- تقویت و توسعه کمی و کیفی مقالات و خواندنی‌های مطبوعات در زمینه مسائل و معضلات مختلف جوانان.
  - ۷- تقویت بینش سیاسی جوانان از طریق برگزاری سخنرانی‌ها، گردهمایی، میزگرد، نشریات، دانشگاه‌ها و ...